

# دیپلماسی وعده و وعید برای تشکیل شرکتهای سرمایه گذاری!

دو شماره ۶۰ / ۶۱ (بهمین و اسفند ۱۳۷۴) این ماهنامه تحلیلی زیر عنوان «اوراق مشارکت: چراغ جادو یا...» منتشر کردیم که گرچه حاوی مطالب هشدار دهنده‌ای بود، اما متولیان امور اقتصادی کشور به آن توجه نکردند. در آن تحلیل روند تشکیل شرکتهای سرمایه گذاری را جریانی مشکوک و غیرقابل اطمینان ارزیابی کردیم و نوشتیم این شرکتهای غالباً پوشش‌های جدیدی هستند برای جمع آوری ته‌مانده نقدینگی طبقات کم درآمد، آن هم نه با هدف بکار انداختن آنها در طرحهای تولیدی، بلکه با نیت استفاده از این پول‌ها در کارهای دلالی و بساز و بفروشی و واسطه‌گری و همچنین با تأکید ذکر کردیم این شرکتهای قادر به جذب نقدینگی‌های کلان نیستند، بلکه حتی همین نقدینگی‌های اندک جمع آوری شده را در خدمت صاحبان نقدینگی‌های کلان قرار خواهند داد.

اینک، حدود یک سال و نیم پس از چاپ آن تحلیل، رفته رفته آشکار می‌شود، شرکتهای سرمایه گذاری همچنانکه پیش‌بینی کرده بودیم نه تنها از بار مشکلات اقتصادی نکاسته‌اند، بلکه مشکلات جدیدی را هم بوجود آورده‌اند. این مشکلات چنان جدی است که اقتصاددانان متعهد و علاقمند کشور را وادار به ارزیابی اشکالات و جسودی شرکتهای سرمایه گذاری کرده است.

در شماره گذشته این ماهنامه آقای دکتر اکبر کرباسیان استاد دانشکده علوم بانکداری و همکار گرامی ما، در مقاله‌ای زیر عنوان «شرکتهای سرمایه گذاری: بدون ضابطه و بدون منتول» جنبه‌هایی از اثرات منفی تشکیل این شرکتهای بر اقتصاد کشور را مورد ارزیابی قرار داد. در این شماره نیز همکار دیگرمان آقای دکتر منوچهر کیانی، اقتصاددان و رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران - از زوایای دیگری عملکرد شرکتهای مزبور و اثرگذاری آنها بر اقتصاد ایران را مورد تحلیل قرار داده است که در زیر می‌خوانید. امیدواریم این تحلیل‌ها مقامات مسئول را به ضرورت بازنگری در روند تشکیل و فعالیت شرکتهای مورد بحث معتقد سازد تا قبل از این که بازیان‌های غیرقابل جبرانسی مواجه شویم، برای پایان دادن به وضعیت کنونی فعالیت این شرکتهای تمهیداتی اندیشیده شود.



نوشته: دکتر منوچهر کیانی

با وجود اینکه از سالها پیش هر یک از بانکها، نهادها و تعدادی از سازمانها و شرکتهای بزرگ دولتی مبادرت به تأسیس شرکتهای سرمایه گذاری کرده‌اند که معدودی از آنها موفق و اکثراً ناموفق هستند، از آغاز سال گذشته حرکت جدیدی برای تأسیس شرکتهای سرمایه گذاری توسعه صنعتی، ساختمانی، استانی و غیره آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. اکثر این شرکتهای بوسیله ارگانهای دولتی یا وزارتخانه‌ها تأسیس شده و بین ۲۰ تا ۴۰ درصد سرمایه اولیه آنها توسط بانکهای دولتی، کارخانجات، ارگانها، تعاونها، اشخاص و غیره که مؤسسان را تشکیل می‌دهند، تعهد و تأدیه شده است. سعی بر این بوده و هست که ما بقی سرمایه این شرکتهای از طریق فروش اوراق مشارکت به مردم و جذب پس‌اندازهای آنان تهیه شود، یعنی ۶۰ تا ۸۰ درصد بقیه سرمایه.

هدف‌گیری مؤسسان یا کارگردانان مؤسس این شرکتهای سرمایه گذاری متوجه افراد متوسط با پس‌اندازهای اندک است که در طول زندگی خود صرفه‌جویی کرده‌اند. بهمین دلیل حداکثر سهمی را که افراد می‌توانند بخرند، محدود است و در نوار باریکی بین ۲۰۰ سهم هزار ریالی (بیست هزار تومان) تا ۳۰۰ هزار سهم (سی میلیون تومان) نوسان دارد. افراد متوسط جامعه هستند که بطور سریع تحت تأثیر احساسات ملی و میهنی یا مذهبی قرار می‌گیرند، نه صاحبان سرمایه‌های بزرگ یا رانت‌گرایان فرصت‌جوا از اینرو، جهت جلب نظر افراد طبقه متوسط جامعه شعارهای زیادی به هنگام عرضه اوراق مشارکت داده شده و می‌شود که برخی از آنها بدین قرار است:

«شما می‌توانید در توسعه اقتصادی و آبادانی ایران اسلامی سهم باشید»

«جذب سرمایه‌های اندک برای ایجاد صنایع مادر...»  
«ارتقای تولید در سطح استانداردهای بین‌المللی»  
«راهیابی به بازارهای جهانی و بین‌المللی»  
«افزایش صادرات غیرنفتی»  
«حذف واسطه‌های غیر ضروری»  
«سرمایه گذاری یعنی تولید، تولید یعنی استقلال...»

«افزایش سریع ارزش سهام» و یا «کسب سود و درآمد مطمئن»

البته این شعارها موفقیت‌آمیز بود. افرادی که اوراق مشارکت را خریداری کرده - آنطور که از قرائن و محاسبات برمی‌آید - افراد طبقه متوسط با درآمدهای متوسط و پس‌اندازهای کم هستند.

مثلاً شرکت سرمایه گذاری توسعه آذربایجان شرقی با سرمایه پنج میلیارد تومان تأسیس شد که بیست درصد آن، یعنی یک میلیارد تومان توسط ۶۷ شرکت و مؤسسه و بانک و ۱۱۹ نفر اشخاص حقیقی تعهد شد و ما بقی اوراق مشارکت، یعنی چهار میلیارد تومان دیگر را ۹۷ هزار نفر تعهد و خریداری کردند، یعنی هر فرد بطور متوسط سهمی کمی بیشتر از ۴۰ هزار تومان خریداری کرده است. تعداد زیادی از سهامداران، کارکنان جزء ادارات، نهادها و سازمانهای دولتی آذربایجان شرقی هستند که به توصیه استانداردی حداقل یکصد سهم و حداکثر پانصد سهم خریداری‌اند. جالب‌تر از سهامداران این شرکت سرمایه گذاری توسعه، ترکیب و تنوع ۶۷ شرکت و سازمان و اعضای مؤسس آنست.

علاوه بر شرکتهای معروف و بزرگی نظیر ماشین‌سازی تبریز، چرخشگر، موتورزن، لیفتراک سازی سهند، «حوزه علمیه ولیعصر هشترونده»، «روزنامه احرار»، «مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی آذربایجان شرقی» و «اعضای سازمان نظام پزشکی و نظام مهندسی ساختمان تبریز» نیز جزء مؤسسين هستند.

اینکه «روزنامه احرار» و یا «حوزه علمیه ولیعصر هشترونده» به عنوان مؤسس، خرید مقداری از سهام را تعهد کرده‌اند، چه معنا و مفهومی دارد، معلوم نیست. همین ناهمگونی در مورد مؤسسين سایر شرکتهای سرمایه گذاری جلب توجه می‌کند.

علی الاصول وقتی اوراق مشارکت، اوراق قرضه دولتی و یا سهام شرکت جدیدی و یا افزایش سهام شرکت در حال فعالیتی اعلام و جهت پذیره نویسی به عموم عرضه می شود، چند بانک و مؤسسه اعتباری تعهد می کنند که اگر مردم تمام اوراق را نخریدند، آنها خود در خرید مشارکت کنند. به علاوه، قبلی از اعلام فروش سهام، به قدر کافی بررسی و مطالعه می شود که آیا وضعیت پولی و مالی بازار و یا استقبال مردم اجازه چنین کاری را می دهد یا خیر؟ البته باید توجه داشت که چنین مال اندیشی هائی در کشورهای توسعه یافته صنعتی شاید به این دلیل باشد که در آنها امکان تحریر و استفاده از احصاسات مردم بدین اندازه و یا دیپلماسی وعده و وعید بدین حد، و یا مستور کردن اهداف واقعی بدین مهارت، وجود ندارد.

### اهداف ظاهری و واقعی

از جمله موضوع هایی که در مورد اهداف تأسیس شرکت های سرمایه گذاری و از تبلیغات آنها مستفاد می شود این است که ظاهراً برنامه های این شرکتها عبارتند از:

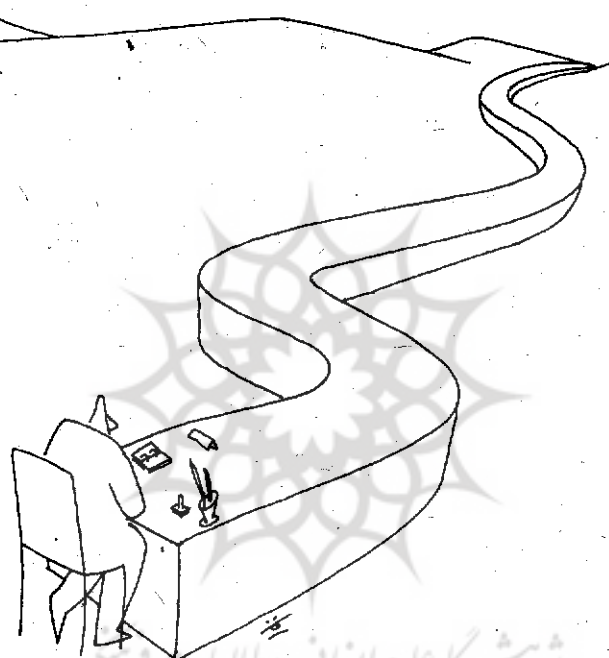
- توسعه صنعتی کشور
- توسعه و عمران استانها
- توسعه فعالیتهای کشاورزی
- مشارکت در فعالیتهای خدماتی، نظیر واردات و صادرات
- ایجاد تسهیلات مالی برای سایر شرکتها
- تأمین مسالی تعدادی از پروژه های وزارتخانه ها
- تکمیل پروژه های شهرکهای اندیشه و هشتگرد

عرضه می شود،

سرمایه گذاری، خرید، اداره، توسعه و تکمیل، فروش، واگذاری و اجاره انواع کارخانجات و واحدهای تولیدی در بخشهای مختلف اقتصادی... و انجام هرگونه اموری که به نحوی از انحاء به موارد فوق مربوط باشد،

کوشش در جهت انتقال تکنولوژی و بالابردن خلایق ها،

و غیره بنماید. تازه تمام این فعالیتهای قرار است با سرمایه ای معادل یک میلیارد تومان انجام شود که از این مبلغ هم ۲۰ درصد آن توسط مؤسسين تعهد شده و ۳۵ درصد این تعهد یعنی فقط مبلغ ۷۰ میلیون تومان پرداخت گردیده است و شرکت امیدوار بوده که مابقی



سرمایه، یعنی ۸۰۰ میلیون تومان تا ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری توسط مردم پذیره نویسی شود. جالب تر از نحوه جذب سرمایه های کوچک مردم برای چنین وظایف گسترده ای که شرکت هدف خود قرار داده، شرطی است که مؤسسين تعیین کرده اند، و آن اینکه تمام ۲۰ درصد سهام مؤسسين، سهام ممتاز خواهد بود و از مزایای ویژه ای برخوردار است!!

انحصارانه و ظالمانه تر از این، شرکت «تکادو» که قصد افزایش سرمایه خود را دارد با پذیره نویسان و سهامداران آینده اش رفتار می کند.

این شرکت که قصد دارد سرمایه خود را به مبلغ ۱۵۷/۵ میلیارد ریال افزایش دهد، جزء شروط پذیره نویسی اعلام داشته که «۱۵ درصد سهام فعلی، سهام ممتاز با حق رای هشت برابر در مجامع عادی و فوق العاده می باشد.» در اثر افزایش سرمایه های بعدی

میزان سهام ممتاز همواره ۱۵ درصد از کل سهام شرکت را تشکیل خواهد داد. «در کلیه مجامع... هر یک از سهام عادی یک رای و هر سهم ممتاز هشت رای خواهد داشت.»

بدین ترتیب چه در حال حاضر و چه در آینده با هر میزان افزایش سرمایه شرکت، صاحبان ۱۵ درصد سهام ممتاز هشت برابر بیشتر حق رای دارند، یعنی عملاً ۱۲۰ درصد. به عبارت دیگر، صاحبان ۸۵ درصد سهام، حق هیچگونه دخالتی در امر شرکت را ندارند. این مورد درست خلاف اصل «اصالت سرمایه» در شرکت های سهامی عام بوده و از اینرو، ظالمانه و انحصار طلبانه است.

از نظر گستردگی فعالیتهای اقتصادی و تجاری و غیره بعد از شرکت «فجر آرمان» شرکت سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران قرار دارد که با کوشش وزارت صنایع و سازمان صنایع ملی ایران تأسیس شد.

این شرکت ۱۵ گروه فعالیت مختلف اقتصادی را جزء هدفهای خود اعلام کرده است نظیر:

- اخذ نمایندگی، ایجاد شعبه و اعطاء نمایندگی در داخل و خارج،
- اخذ مجوزهای لازم به منظور اجرای طرح های تولیدی جدید و توسعه و تکمیل کارخانجات تولیدی،
- انجام و ارائه خدمات کارگزاری سهام در سازمان بورس اوراق بهادار...،
- تشکیل انواع شرکتها و مشارکت با شرکتها.

هدفهایی که فوقاً ذکر شد، اهدافی است که هر شرکت تولیدی یا بازرگانی به هنگام تأسیس در اساننامه خود ذکر می کند و سعی دارد دامنه فعالیتهایش هرچه بیشتر گسترده باشد. اما اینکه چرا از اوایل سال قبل بیک باره هر وزارتخانه ای سعی کرد یک شرکت سرمایه گذاری تأسیس، و طبق برآورد و تخمین خود تا حد امکان پس اندازهای مردم را جذب کند، باید دلیل دیگری غیر از اعلام عمران و توسعه سازندگی که ظاهر قضیه را تشکیل می دهد، داشته باشد.

هدف اساسی و واقعی از تأسیس این شرکتها جذب ذخائر پس اندازی مردم به منظور جمع آوری هرچه بیشتر نقدینگی موجود در دست مردم و مبارزه با تورم از این طریق است. متأسفانه ارقامی درباره تعداد اینگونه شرکتها و مبالغی که جمع آوری شده، یا وجود ندارد و یا منتشر نشده است. هدف اول مسئولین پولی کشور جمع آوری حداقل ۲۰۰ میلیارد

علاوه بر اهداف فوق هر یک از شرکت های سرمایه گذاری در اساننامه شان انجام فعالیتهای تجاری و تولیدی دیگری را پیش بینی کرده اند که اجازه می دهد ادعا کرد، امکان انجام هرکدام مجازی را دارند.

گسترده ترین فعالیتهای شرکت صنوف تولیدی و خدماتی فنی تهران، «فجر آرمان» برای خود پیش بینی کرده است. این شرکت که ۶۱ اتحادیه صنعتی تهران از صنف آرایشگران زنانه گرفته تا صنف سمورسازان و چراغسازان جزء مؤسسين آن هستند، حق دارد، علاوه بر مبادرت به ورود و صدور، فروش و خرید انواع کالاهای مجاز و همچنین انجام هرگونه فعالیت مجاز، اقدام به

خرید و فروش سهام شرکت های که از طریق بورس

تومان از سرمایه مردم بود تا بدین میزان از قدرت خرید آنان کاسته شود. اینکه آیا مسئولین پولی و سیاستگذاران اقتصادی به این هدف خود رسیده‌اند یا خیر، معلوم نیست و در اینجا برای بحث ما جناب نمی‌باشد. آنچه مدنظر ماست و مورد تحلیل قرار خواهیم داد تبعات این سیاست است. به علاوه بحث و استدلال خواهیم کرد که آیا از نظر اقتصادی کار درستی است که بانک مرکزی و دولت از یک طرف آخرین پس‌اندازهای مردم را به لطایف

## انتشار اوراق مشارکت با اهداف و شیوه‌کنونی موجب بازهم فقیرتر شدن طبقه متوسط کشوری می‌شود.

بیش از ۲۱ درصد آن را می‌خواهد از طریق انتشار اوراق مشارکت تأمین کند.

به علاوه این شرکت عمران شهرهای جدید هشتگرد و چشمه که وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی است، قصد ندارد افرادی را که فاقد مسکن هستند، صاحبخانه کند، بلکه هر کس که پول بیشتری دارد و اوراق بیشتری خریداری کند (حداقل ۲ میلیون تومان) از امتیاز و اولویت بیشتری برخوردار خواهد شد (بند ۴/۵ گهی شرکت عمران، مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۶).

اگر به شرکت‌های توسعه مسکن در یک چهارچوب مشخص و معین با سعه صدر و بطور مداوم، نه مقطعی و شمارگونه، کمک نشود تا آنها بتوانند بطور مستمر و طبق برنامه هر ساله تعداد زیادی واحد مسکونی ارزان قیمت تولید کنند، آنگاه ناچار خواهند بود که به سوی «ب ساز و بفروشی» روی آورده و در صدد سود بردن و «بازاری عمل کردن»، نظیر دیگران که در بازار مسکن مشغول هستند، رو آورند و به گرانی مسکن کمک کنند.

شرکت عمران شهرهای جدید طبق محاسباتی که

برعکس در بخش ساختمان نیز شرکت‌های سرمایه‌گذاری قصباً دارند به خرید و واگذاری زمین، تولید مصالح ساختمانی، پرداخت وام مسکن و یا کمک به استفاده از تسهیلات وام مسکن بپردازند. شرکت عمران شهرهای جدید می‌خواهد با انتشار اوراق مشارکت پروژه‌های شهرک‌های هشتگرد و چشمه را به اتمام برساند.

در اینجا اگر شرکت‌های توسعه مسکن خوب سازمان‌دهی شوند، می‌توانند خدمات ارزنده‌ای ارائه

دهند و مشکل مسکن را تا حدودی حل کنند و از فشار بار اچاره‌های سنگینی که وجود دارد تا اندازه زیادی بکاهند. موفقیت این شرکت‌های تأمین و ایجاد مسکن منوط به همدلی و همکاری دستگاهها و سازمانهای مختلف است. منابع طبیعی یا شهرداریها یا سازمان زمینهای شهری باید زمین را بطور رایگان یا با قیمت فوق‌العاده کم در اختیار این شرکتها قرار دهند، بانکها یا بانک مرکزی باید اعتبارات کافی با نرخ بهره ناچیز در اختیار آنها بگذارند و گرنه شرکت‌های ساختمانی با سرمایه ناچیزی که دارند، قادر به رسیدن به اهداف خود نیستند. شرکت عمران شهرهای جدید هشتگرد و چشمه برای اجرای طرحهای خود احتیاج به حداقل ۵۱ میلیارد تومان سرمایه دارد که تنها ۱۱ میلیارد آن، یعنی کمی

الحیل جمع‌آوری کنند و همانطور که ثابت خواهیم کرد بهمین نسبت آنان را فقیرتر سازند، ولی از طرف دیگر هر ساله با افزایش نقدینگی (بخوان انتشار اسکناس) و ازدیاد بودجه دولت با درصدهای غیرقابل تصور خود سبب ایجاد تورم شوند.

### نا توانی در سرمایه‌گذاری

حال بررسی و تحلیل کنیم که شرکت‌های تأسیس شده تا چه میزان قادرند به هدفهای خود برسند و آیا سرمایه آنها کفاف هزینه‌ها را می‌کند؟ اگر ما امکان فعالیتهای آنها را در چهار بخش، صنعت، کشاورزی، مسکن و خدمات طبقه‌بندی نمائیم و سپس بررسی کنیم به این نتایج خواهیم رسید:

در بخش کشاورزی، در شرایط کنونی کشور چه دامداری (گاوداری و گوسفندداری)، چه مرغداری، چه کشت و برداشت محصولات نباتی اگر زیان ده نباشد، مقرون به صرفه نیست. هرگونه فعالیتی در این بخش برای شرکت‌های تازه تأسیس شده باید حداقل ۳۰ تا ۵۰ درصد بازدهی داشته باشد تا آنان بتوانند بهره تضمین شده ۲۰ تا ۲۵ درصدی را به سهامداران خود پرداخت نمایند و با باقیمانده آن خود را اداره کنند.

در بخش صنعت نیز شروع فعالیت آسان نیست. تأسیس هر نوع کارخانه‌ای، هر چقدر ضروری و لازم باشد، علاوه بر موافقت وزارت صنایع یا سایر وزارتخانه‌ها احتیاج به ارز دارد که معلوم نیست بانک مرکزی در نهایت اعتبارات ارزی را گشایش کند یا خیر. به علاوه، تأسیس هر کارخانه جدیدی حداقل سه تا پنج سال بطول می‌انجامد و اکثر آنها حدود هفت تا ده سال. شرکت‌های تازه تأسیس شده در طول این مدت سود تضمین شده سهامداران خود را از چه محلی تأذیه خواهند کرد؟ مضافاً، از آنجا که قیمت‌ها را دولت تعیین می‌کند و بطور مداوم سیاستها و مقررات دولت در حال تغییر است و این تغییرات اکثراً گردشهای ۱۸۰ درجه‌ای می‌باشد، هیچ تمهیدی برای سوددهی کارخانجات وجود ندارد. کارخانه‌ای که تا دیروز سود می‌داد، می‌تواند از امروز زیان‌ده باشد و یا

## شرکت سکو ایران



تحت لیسانس کارخانجات سکو ایتالیا

### تولیدکننده:

پروفیل، در، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه‌ای، سقف کاذب و نرده، از سیستم پیش ساخته و پیش رنگ شده

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلای شمالی، شماره ۲۶۴، ساختمان سکو

تلفن: ۸۸۰۱۸۱۷ - ۸۹۳۸۶۶ - ۸۹۶۶۷۸

۸۸۰۱۹۰۳ - ۸۹۴۹۵۶

تلکس: SEIR ۲۱۴۳۲۷ فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

انجام داده، حدود ۳۰ درصد سود در سال به خریداران اوراق مشارکت از طریق سود قطعی و تخفیفات منظور شده در خرید زمین و مسکن وعده می‌دهد. حال این شرکت با این نرخهای بالای بهره چگونه قادر است واحدهای مسکونی ارزان قیمت در اختیار مردم قرار دهد، آنهم حدود هشتاد کیلومتر دورتر از تهران و در پای کوه‌ها، کسی نمی‌داند! اصلاً هم قرار نیست این شرکت واحدهای مسکونی ارزان قیمت عرضه کند، چون هدف از تأسیس این شهرک جدید هشتگرد، تأمین مسکن ارزان قیمت نبود، بلکه بدست آوردن سود و درآمد از طریق ایجاد مسکن و ساختمان. وزارت مسکن و شهرسازی همین سیاست ایجاد درآمد از طریق ساختمان را در مورد «شهرک صنعتی هشتگرد» باده کرد و در حالی که قانون صریحاً ایجاد شهرکهای صنعتی را وظیفه «شرکت شهرکهای صنعتی» و البته وزارت صنایع می‌داند، وزارت مسکن اقدام به ایجاد شهرک صنعتی هشتگرد کرد و زمینهای آن را پس از آماده‌سازی حداقل متری پنج هزار تومان فروخت، در حالی که در آن وقت قیمت زمین در شهرکهای صنعتی وابسته به وزارت صنایع حدود چهار صد تومان بود.

این موضوع نشان می‌دهد که خطر انحراف شرکت‌های سرمایه‌گذاری مسکن- در صورت فقدان حمایت‌های چند جانبه و وسیع توسط دستگاههای مختلف- چقدر زیاد است. وقتی وزارتخانه‌ای که وظیفه اصلی‌اش ایجاد واحدهای مسکونی است، همچون «ساز و بفرش» عمل می‌کند، آن وقت از شرکت‌های سرمایه‌گذاری که باید هر ساله مبالغی به عنوان سود تضمین شده (بخوان بهره پول) به خریداران اوراق مشارکتشان پرداخت کنند، چه انتظاری می‌توان داشت؟

### طلوع ستاره اقبال!

پس از بررسی سه بخش صنعت، کشاورزی و ساختمان که امکان فعالیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری در آنها اندک است، تنها بخشی که این شرکتها می‌توانند در آن فعالیت کنند، بخش خدمات خواهد بود.

در اسانسانمه شرکتها نیز توجه شایانی به فعالیتهای خدماتی شده است. در اقتصادهای سالم، بخش خدمات، همچون بخش کشاورزی و صنعت، یک بخش تولیدی محسوب می‌شود و از نظر محاسبه درآمد ملی همان ارزشی را دارد که دو بخش دیگر دارا هستند. در این اقتصادها بخش خدمات شامل توریسم، بانکداری، هتل‌داری، خدمات مشاوره‌ای، تعمیرات و غیره می‌شود. اما در کشور ما منظور از بخش خدمات، بیشتر خرید و فروشهای مکرر، احتکار کردن، توزیع‌های چند کاناله، خرید و فروش

مجوزها، داد و ستدهای کاذب و اکثراً مضر اقتصادی است.

در بخش خدمات، در اقتصادهای سالم که اکثراً پیشرفته هستند، سود حاصل معتدل و متعارف با سود سایر بخشهاست، اما در اقتصادهای کشورهای نظیر کشور ما که بخش خدمات، وضعیت خاصی دارد، سودها هنگفت، رانت‌ها سرسام‌آور و درآمدها باد آورده است.

حال شرکت‌های سرمایه‌گذاری توسعه یا مجبور بودن به پرداخت بهره‌ای سالانه بین ۲۰ تا ۲۵ درصد به پذیره‌نویسان خود سودی حداقل معادل ۱۰ درصد سرمایه برای خود شرکت، ناچارند به رانت جوینان جامعه که کم هم نیستند، ببینند و مترصد سودهای کلان و ثروت‌های بادآورده شوند. مجوزی را دست و پا کنند، و ازادات کالائی را از خارج در اختیار بگیرند و اگر شد نظیر دیگران تحت عنوان خصوصی‌سازی، کارخانه مصادره شده یا تازه تأسیس شده‌ای را به ثمن یخس و یا به روش اقساطی خریداری کنند تا بتوانند اقساط آن را از محل سود خود کارخانه بپردازند!

شرکت صنوف تولیدی و خدمات فنی تهران «فجر آرمان» که ۶۱ اتحادیه مختلف مؤسس آن هستند و پذیره‌نویسی اوراق مشارکتش تا ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری ادامه داشت، قبل از پایان پذیره‌نویسی ستاره اقبال طلوع کرده است، چون در تاریخ اول اردیبهشت ماه سال جاری «نشریه صنوف» سال پنجم، شماره ۵۹ از قول معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی نوشت: «در صورت افزایش نقدینگی اتحادیه‌های صنفی، آنها در تخصیص ۸۶۰ (هشتصد و شصت) میلیون دلار ارزی که اکنون برای واردات مواد کالاهای موردنیاز اختصاص یافته، از سوی وزارت بازرگانی در اولویت قرار خواهند گرفت. و یحتمل عنقریب معاون وزارتخانه دیگری اعلام خواهد کرد:

«... برای رفع مشکل نقدینگی اتحادیه‌های صنفی که وجود و خدمات آنها در اقتصاد غیرقابل انکار است و... تصمیم گرفته شد مبلغ ... میلیارد ریال در اختیار آنها قرار گیرد...»

نه ماه پس از تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران، مدیرعامل آن استراژی شرکت را در امر سرمایه‌گذاری اینگونه خلاصه کرد (روزنامه رسالت اول خرداد ۱۳۷۶):

«چهل درصد منابع حاصل از پذیره‌نویسی به خرید سهام سایر شرکت‌های عرضه شده در بورس اختصاص خواهد یافت... چهل درصد دیگر از منابع پذیره‌نویسی صرف تکمیل طرح‌های نیمه تمام که در سال جاری یا آینده به بهره‌برداری خواهند رسید... بیست درصد بقیه جهت تأمین سرمایه در گردش شرکتها برای خرید مواد اولیه و خریدهای جاری (نقدینگی) بکار گرفته خواهد شد...»

این «بیست درصد بقیه» رقمی حداکثر شش میلیارد تومان خواهد شد. چون به گفته مدیرعامل شرکت چهل درصد منابع شرکت که صرف خرید سهام سایر شرکتها شده است بالغ بر ۱۲ میلیارد تومان می‌شود. که شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی قصد دارد با آن به افزایش نقدینگی شرکتها کمک کند. باید در نظر داشت که مؤسسين شرکت که شامل چهار بانک، ده شرکت سرمایه‌گذاری، پنج سازمان و صندوق بازنشستگی، هفت شرکت خودروسازی و موتوئاز اتومبیل و کامیون، شش شرکت شیمیائی سلولزی، شش شرکت نساجی، سه شرکت مواد غذایی و پخش، سه شرکت تجهیزات و لوازم خانگی، سه شرکت از صنایع مواد معدنی و کانی غیر فلزی، سه شرکت از صنایع فلزی اساسی و جمعاً پنجاه واحد می‌شوند، چهل درصد سرمایه اولیه، یعنی حداقل مبلغ ده میلیارد تومان را تعهد و پرداخت کرده‌اند (به علت استقبال زیاد مردم میزان سرمایه شرکت که در آغاز ۲۵ میلیارد تومان تعیین شده بود، به ۳۰ میلیارد تومان افزایش یافت). بنابراین، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران از نقدینگی پنجاه شرکت مؤسس ده میلیارد تومان کاسته است تا شش میلیارد آن را جهت افزایش نقدینگی (لابد خود این شرکتها) بکار گیرد. البته امکان این امر وجود دارد که شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی نقش «بهبه کردن» استفاده از نقدینگی را انجام دهد، بدین معنا که نقدینگی را از شرکت‌هایی که وضع مالی خوبی دارند، به شرکت‌هایی که دچار فقدان نقدینگی هستند، انتقال دهد. اما به دو دلیل این امر بعید به نظر می‌رسد، نخست آنکه اکثر شرکتها خود دچار کمبود نقدینگی هستند و دیگر اینکه تصمیمات اقتصادی در کشور ما بیشتر بر اساس ملاحظات غیراقتصادی گرفته می‌شود.

### فقیرو تر شدن قشر متوسط

اینکه تاکنون مردم چقدر اوراق مشارکت خریداری کرده‌اند، معلوم نیست و اگر هم اطلاعاتی وجود دارد، منتشر نشده است. اما آنچه معلوم و مشخص است اینکه هیأت دولت در جلسه مورخ ۱۱ خرداد ماه ۱۳۷۶ آنین‌نامه فروش ۲۲۵۰ (دو هزار و دویست و پنجاه) میلیارد تومان اوراق مشارکت را مورد تصویب قرار داد و پرداخت حداقل ۲۰ درصد سود سالانه و بازپرداخت اصل سرمایه را تضمین کرد (روزنامه کیهان ۱۲ خرداد ماه ۱۳۷۶).

سعی دولت اینست که پس‌اندازهای «اندک» را جمع کند و آنچه از شواهد و قرائن برمی‌آید تاکنون نیز اوراق مشارکت را افراد قشر متوسط که پس‌اندازهای اندک، از یک تا ده میلیون تومان داشته‌اند، خریداری کرده‌اند.

این افراد قشر متوسط که قادرند اوراق مشارکت



بخزند، چه کسانی هستند؟ توده‌های وسیع کارمندان دولت در وزارت امور اقتصادی و دارایی، در وزارت جهادسازندگی، در وزارت ارشاد، در نیروهای مسلح یا نیروهای انتظامی نیستند. اینها با تورمی که وجود داشته و دارد و با حقوقی که دریافت می‌کنند، به زحمت می‌توانند چرخ زندگانشان را تا آخر ماه بچرخانند، چه رسد که پس‌اندازی داشته باشند و اوراق مشارکت اشیاع کنند. آنان که قادرند پس‌اندازی داشته باشند، کارمندان ارشد با حقوقهای بالا، کارکنان برجسته و مدیران شرکتهای خصوصی، پزشکان با درآمد بالا و مهندسين کارآمد هستند که قسمتی از ستون فقرات جامعه را تشکیل می‌دهند و می‌توانند اوراق مشارکت را خریداری کنند و ذخائر خود را در اختیار شرکتهای دولتی قرار دهند.

در جامعه‌ای که در آن نرخ تورم بالاتر از نرخ بهره بانکی برای حسابهای پس‌انداز و یا سود تضمین شده برای اوراق مشارکت باشد، هرگونه سرمایه‌گذاری بهر مقدار در اوراق مشارکت و یا «خواباندن» پول در حسابهای پس‌انداز به زیان خریدار اوراق قرضه و یا پس‌اندازکننده است. فرض کنیم که نرخ تورم در سال ۴۰ درصد باشد و نرخ بهره بانکی برای حساب‌های پس‌انداز و یا اوراق مشارکت ۲۵ درصد تعیین شود،

پس‌اندازکننده هر سال بطور متوسط با فرض اینکه رفتار مصرفی‌اش تغییر نکند و اینکه افزایش نرخ تورم در تمام کالاها و خدمات یکسان باشد، ۱۵ درصد زیان می‌کند و اگر هر سال همین ارقام تکرار شود، پس‌اندازکننده پس از چند سال پس‌اندازش را از دست خواهد داد و به نسبت از دست دادن توانایی مالی خود فقیرتر خواهد شد.

متأسفانه این روند فقیرتر شدن قشر متوسط و پیوستن تدریجی آنان به قشر کم‌درآمد جامعه از اواسط دهه ۱۳۶۰ شروع شد و از سال ۱۳۶۸ با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی و ازدیاد «بی‌حساب و کتاب» اعتبارات دولتی به بهانه سازندگی از طریق بودجه سالانه دولت، شتاب بیشتری گرفت. اگر این روند ادامه یابد، روز بروز قشر متوسط با پس‌اندازهای اندک ناپدیدتر شده و از تعداد آنان کاسته خواهد شد. پس از دو سه دهه دیگر پس‌اندازی وجود نخواهد داشت تا دولت بخواهد آنها را جمع‌آوری کند و به نصاب تورم برود.

مسئولین اقتصادی کشور و اندیشمندان و کارگزاران حکومتی برای مبارزه با تورم بجای جمع‌آوری پس‌اندازهای اندک و کم مردم و نقدینگی شرکتهای و فلج کردن چرخش اقتصادی و ایجاد

رکود بهتر است با حذف دستگاهها و وزارتخانه‌های موازی و سازمانهای عریض و طویل در هزینه‌های دولت صرفه‌جویی کنند و از طرف دیگر به بهانه‌های مختلف پروژه‌هایی را به مرحله اجرا در نیاروند که چندین دهه بطول می‌انجامد، میلیاردها تومان یا صافه میلیونها دلار هزینه دارد و آخرالامر معلوم نیست «اقتصادی» باشد. در کشورهای پیشرفته اقتصادی هر ساله هنگام تصویب لایحه بودجه برای چند درصد افزایش بودجه دعاواها می‌شود، استدلالهای علمی می‌گردد، بحث‌های سیاسی به میان می‌آید، و از انستیتوهای تحقیقاتی نظرخواهی می‌شود تا اثرات ازدیاد مثلاً ۴ درصد ارقام بودجه نسبت به سال قبل مشخص شود، اما در کشور ما ارقام بودجه هر ساله ۳۰ درصد، ۴۰ درصد، ۶۰ درصد و گاهی نیز بیشتر افزایش می‌یابد و برای تأمین این افزایش بودجه مرتباً بر حجم نقدینگی افزوده می‌شود. چاپ و انتشار اسکناس و از این طریق افزایش نقدینگی، ساده‌ترین، آسان‌ترین و بی‌دردسزترین راه تأمین کسر بودجه دولتهاست و مع التاسف نه تنها کشور ما، بلکه بیشتر کشورهای در حال توسعه از این روش بیش از حد معقول و سنجیده استفاده می‌کنند.



# آینده‌ای روشن برای دامپروری حاج علی خسروپور

## اهم مشکلات موجود:

- عدم استفاده از اعتبارات تبصره‌های
- وجود محدودیت زیاد برای استفاده از منابع داخلی بانک جهت اجرای طرح
- افزایش هزینه‌های مصالح ساختمانی
- طولانی بودن مسافت
- نداشتن کانال‌کشی آب
- مشکل تأمین دارو و بهداشت
- افزایش بی‌رویه بهای علوفه مصرفی و مشکل بازاریابی

## پیشنهادات:

- تأمین داروهای دامی از طریق واحد ذریع
- امکان دریافت مصالح ساختمانی از سهمیه دولتی یا به نرخ مصوب
- با توجه به افزایش قیمت بازار
- تضمین فروش محصولات دامی از طرف مسئولین ذریع
- تخصیص اعتبارات تبصره‌ای برای راه‌اندازی طرح‌های دامپروری

طرحی با برزیل ۱۰۰ رأس گوساله پرواری در هر دوره

طریقت‌ها: حاج علی خسروپور

محل اجرای طرح: استان سمنان، شهرستان شاهرود، بخش میانی، روستای لروید

افتتاح طرح: دیماه ۱۳۷۵

پشتیبانی: استان سمنان، شهرستان شاهرود، بخش میانی، روستای لروید، دامپروری و طیور، حساب آقای سیدعلی خسروپور، شهرستان سمنان

پشتیبانی: استان سمنان، شهرستان شاهرود، بخش میانی، روستای لروید، دامپروری و طیور، حساب آقای سیدعلی خسروپور